

بررسی نقش تجار و انجمن‌های ایالتی سلطان‌آباد در دوره انقلاب مشروطیت (۱۳۲۲ق/ ۱۹۰۴م - ۱۳۴۴ق/ ۱۹۲۵م)

محمدحسن بیگی*

مهدی جیریائی**

چکیده

انقلاب مشروطیت و ورود افکار و آراء جدید به ایران، تحولات سیاسی - اجتماعی فراوانی به دنبال داشت. گروه‌های مختلف جامعه مانند تجار بنا به دلایلی چون ارتباط سازمان یافته با بازرگانان داخلی و خارجی و به تبع آنها ارتباط با کشورهای غربی، از افکار و اندیشه‌های جدید آگاهی بیشتری داشتند. از اینرو در روند انقلاب مشروطه و برپایی مجلس شورای ملی و تاسیس انجمن‌های ایالتی نقش مهم و تأثیرگذاری مشخصی داشتند. پژوهش حاضر در پی بررسی وضعیت تجار سلطان‌آباد و نقش آنان در جریان انقلاب مشروطه و شکل دهی به انجمن‌های ایالتی این شهر است. سوال اصلی آنست که وضعیت فکری تجار سلطان‌آباد در آستانه پیروزی انقلاب مشروطه به چه صورتی بود و آنان چه نقشی در پیروزی این انقلاب و شکل‌گیری انجمن‌های ایالتی این ولایت داشتند؟ که در ادامه فرض پیش روی بر این اساس شکل می‌گیرد که تجار به دلیل شرایط شغلی خاص خود و ارتباط با دیگر مناطق ایران و تاجران خارجی با تفکرات آزادی خواهانه آشنائی قابل توجهی داشتند و همین موضوع سبب شد تا فعالیت‌های مهمی چه در زمینه پیروزی انقلاب مشروطه و چه در شکل دهی انجمن‌های ایالتی انجام دهند.

کلیدواژه‌ها: تجار، مشروطه، انجمن‌های ایالتی، اندیشه‌های جدید.

*استادیار گروه تاریخ، دانشگاه اراک (نویسنده مسئول)، Mohaamad.beigi@gmail.com

**دکترای تاریخ، مدرس دانشگاه فرهنگیان اراک، jiryaeim@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۰۱

۱. مقدمه

شهر سلطان آباد (اراک کنونی) یکی از شهرهای جدید التاسیس است که بر خلاف سایر شهرهای ایرانی که در ابتدا بنیادی روستائی داشتند؛ آن شهر از آغاز بر پایه شهری بنا نهاده شد. تاریخ تاسیس این شهر در سال ۱۲۳۱ قمری / ۱۸۰۸ میلادی می‌باشد. آنجا در ابتدا محله‌ای بین دو قریه مهم هزاوه و کزاز و از «مستحدثات یوسف خان گرجی سپهدار در عصر فتحعلی شاه قاجار» بود که با اهداف نظامی بنا گردید. در آن زمان در این ناحیه دو طایفه قدرتمند ساکن بودند، خان‌های فراهان که در بخش فراهان کنونی اقامت داشتند و خوانین کزاز که در بخش زالیان سکونت داشتند. هر دو طایفه بعد از مطلع شدن از تصمیم دولت مرکزی برای احداث شهر جدید (پادگان)، سعی نمودند حکومت را متقاعد سازند تا شهر را در منطقه مسکونی آنان بنا نهد که البته در نهایت هیچ یک توفیق آن را بدست نیاوردند و یوسف‌خان گرجی شهر را در محل فعلی که آخرین نقطه قلمرو فراهانی‌ها و اولین نقطه قلمرو کزازها بود بنا نمود تا از بروز اختلاف و درگیری جلوگیری شود.

قبل از ساخت شهر سلطان آباد، در محل آن روستایی به نام دسکره یا دستجرده وجود داشت که پس از متروکه شدن آن در اوایل دوره زندیه، هشت قلعه در اطراف آن ساخته شد. در دوره قاجار، یوسف خان گرجی این قلعه‌ها را خراب کرد و قلعه‌ای بزرگتر ساخت و مردم قلعه‌ها را به قلعه جدید کوچ داد. این قلعه بنای اولیه شهر سلطان آباد محسوب می‌شد.

این شهر یکی از آخرین شهرهای ایرانی بود که زبق الگوی کهن ایجاد شد. یعنی بر اساس الگوی تاریخی شهرهای ایرانی بنا گردید که عمدتاً دارای بازاری با تیمچه‌ها، مساجد، حمام و باروئی در اطراف آن بود. البته موقیت سوق الجیشی و ارتباطی شهر به سرعت موجب رشد آن شد آنگونه که به زودی قریه‌های مهم اطراف را تحت تاثیر توسعه خود قرار داد. به طوری که پس از اندکی مرکزیت سیاسی عراق عجم به سلطان آباد منتقل گشت. شهر به سرعت از باروئی پیش بینی شده بیرون زد و چهار دروازه شهر جرد در شرق، راهزان در شمال، حاج علی نقی در غرب و دروازه قبله در جنوب توانست جلوی رشد فزاینده آن را بگیرد. مهاجرت از اطراف خصوصاً ناحیه فراهان به سلطان آباد موجب شکوفائی بیشتر آنجا گشت. اصالت فرهنگی مهاجرین آینده متفاوتی را برای سلطان آباد رقم زد. شتاب رشد به حدی بود که خیلی زود به آنجا چهره جدیدی بخشید و همگان را

مجاب کرد تا این شهر را به عنوان نقطه ای موثر در مبادلات تجاری و فرهنگی ایران به رسمیت بشناسند.

در زمان ناصرالدین شاه و بعد از آن انگلیسی‌ها تصمیم گرفتند سلطان‌آباد را به عنوان مرکز تجاری خود جهت خرید فرش ایرانی خصوصا فرش فراهان و (مهمتر از همه ساروق و جیریا) قرار دهند. این موضوع بر اهمیت تاریخی و اقتصادی این شهر افزود و به اقتصاد و تجارت آنجا جلوه خاصی بخشید. از اینرو به تدریج تجار شهر سلطان‌آباد به عنوان گروهی مهم اقتصادی و اجتماعی ظهور یافتند.

تجار به تدریج جایگاه اجتماعی مهمی به دست آوردند و توانستند در تحولات سیاسی اواخر دوره قاجار مانند انقلاب مشروطه در این شهر نقش مهمی ایفا نمایند. آنان در پیروزی انقلاب مشروطه و سپس تأسیس انجمن‌های انقلابی تلاش کرده و موجبات تحکیم پایه‌های انقلاب در این شهر را فراهم کردند. از اینرو پژوهش پیش روی به دنبال تبیین و تحلیل نقش تجار سلطان‌آباد در تحولات جدید این شهر است. سوال اصلی آنست که تجار سلطان‌آباد چه نقشی در پیروزی انقلاب مشروطه و سپس تأسیس انجمن‌های ایالتی این شهر داشتند؟ در پاسخ باید گفت دستاوردهای پژوهش تجار اصلی‌ترین حامیان انقلاب مشروطه و جریانی تاثیر گذار در حمایت از تفکرات جدید در برابر جناح ملاکین و طرفداران استبداد بودند.

۲. پیشینه پژوهش

درباره پیشینه پژوهش حاضر باید گفت برخی تحقیقات جزئی و کلی در زمینه تاریخ سلطان‌آباد نگاشته شده است که البته در اغلب آن‌ها وضعیت فکری تجار و نقش آنان در انقلاب مشروطه و انجمن‌های ایالتی این شهر در دوره مذکور چندان مورد توجه نبوده و تنها اشاراتی گذرا به این موضوع صورت گرفته است؛ از جمله این تحقیقات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) «تاریخ اجتماعی اراک» نوشته مرتضی ذبیحی (چهار جلد). نویسنده در این اثر، تاریخ اراک از دوران مشروطه تا انقلاب اسلامی را مورد بررسی قرار داده است و در آن به اجمال نقش تجار در تحولات را مورد اشاره قرار داده است.

ب) «تاریخ عراق» اثر میرزا محسن خان مستعان الدوله یا همان رضا وکیلی تبریزی، نماینده آذربایجان در مجلس دوم شورای ملی است که در سال ۱۳۳۴ ق/ ۱۹۱۶م، به سمت پیشکار وزارت مالیه در سلطان آباد عراق مشغول به کار شد. وی مطالعاتی درباره اوضاع عمومی و اجتماعی سلطان آباد عراق انجام داد و آن‌ها را به رشته تحریر درآورد. در این کتاب به نقش تجار در تحولات دوره مورد نظر اشاراتی شده است.

ج) «تاریخ اراک»: اثر ابراهیم دهگان (سه مجلد). جلد نخست تاریخ این شهر را از دوره باستان تا آغاز دوره صفوی؛ جلد دوم وقایع این ولایت از آغاز دوره صفوی تا سفر ناصرالدین شاه به این شهر (در این مجلد، چگونگی ساخت شهر و قلعه سلطان آباد و اهداف آن، به خوبی تبیین شده است)؛ جلد سوم در راستای تکمیل مباحث دو مجلد پیشین، با عنوان «کارنامه یا دو بخش دیگر از تاریخ اراک» درباره تاریخ انجمن، سادات اسماعیلیه و سال شمار وقایع شهرستان اراک از ۱۲۷۱ - ۱۳۴۵ ش، است، مطالعات دهگان جهت شناساندن نقش تجار سلطان آباد در تحولات تاریخی ارزشمند است.

د) «سیمای اراک»، (جامعه‌شناسی شهری): تألیف محمدرضا محتاط که آمار و اطلاعات در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی این شهر چون: علل مهاجرت، اوضاع فرهنگی، بهداشت و درمان و مسائل اجتماعی را مورد واکاوی قرار داده است و کمتر مسائل تاریخی توجه داشته است.

۳. موقعیت جغرافیایی سلطان آباد عراق

در گذشته، عراق بزرگ به سرزمین وسیعی در کنار فلات مرکزی ایران و زاگرس شرقی اطلاق می‌شد که از شرق و غرب میان قم و همدان و از شمال و جنوب میان ری و اصفهان قرار داشت. در اصطلاح صاحب‌نظران علم جغرافیا و نویسندگان مسالک و ممالک، «عراق عجم» به چندین ولایت بزرگ و کوچک اطلاق می‌شد که در گذشته، این ولایات در قلمرو سرزمین وسیعی به نام «مدیا» (ماد) قرار می‌گرفتند (لسترینج، ۱۳۸۶: ۲۰۰). این منطقه گسترده با قدری اختلاف حدود، از شمال به دیلم و آذربایجان، از غرب به کردستان و کرمانشاه، از جنوب به لرستان و خوزستان و فارس و از شرق به خراسان و صحرای لوت منتهی می‌شد. (اصطخری، ۱۳۶۸: ۱۶۲).

در عصر قاجار «عراق عجم» ناحیه به مراتب کوچکتری در غرب ایران اطلاق می‌شد که چندین ولایت را شامل بود و هریک حکمران و والی ویژه‌ای داشت. از جمله آنها:

همدان، عراق، قم، ساوه، زرنند، قزوین، خمسه، تهران، کاشان، ولایات ثلاثه (کمره و گلپایگان و خوانسار)، اصفهان، یزد، ملایر، تویسرکان، نهاوند، دامغان، سمنان، شاهرود و بسطام بود. (وکیلی تبریزی، ۱۳۹۵: ۴۷ و ۴۸). از سال ۱۳۰۷ ق/۱۸۸۹ م، به بعد شهر سلطان‌آباد حاکم‌نشین ولایت عراق و فراهان گشت. (کرزن، ۱۳۷۳: ۵۷۱)؛ اما در دوره پهلوی اول «تعداد بلوکات عراق: کزاز، سره‌بند، شراه، بزچلو، وفس، رودبار، تفرش، فراهان، آشتیان و ایک‌آباد بود و تعداد نفوس آن به‌طور تقریبی: سلطان‌آباد: ۴۵ هزار، بلوکات: ۲۴۰ هزار و جمع آن ۲۸۵ هزار» نفر بود (ساکما، ۲۴۰/۱۰۰۸۲۵، برگ ۱).

۴. وضعیت سیاسی - اجتماعی سلطان‌آباد در آستانه انقلاب مشروطه

وضعیت سیاسی اجتماعی سلطان‌آباد در اواخر دوره قاجار و آستانه انقلاب مشروطه مانند سایر مناطق ایران آشفته و بی سامان بود. نکته قابل اشاره آنست که این شهر از دیرباز یکی از مراکز مهم تجاری ایران و محل فعالیت کمپانی‌های تجارت خارجی از جمله انگلیسی‌ها بود. کنسولگری‌های کشورهای خارجی در آنجا استقرار داشتند و به کار خرید و فروش فرش می پرداختند. آنان حوادث و رخدادها را به دقت زیر نظر می گرفتند و گزارش‌های نسبتاً دقیقی از چگونگی وقایع ارائه می داده‌اند. از اینرو اسناد فراوانی از این دوره در دست است که البته بر اساس همین اسناد می توان فهمید که آشفتگی سراسری ایران به این شهر نیز سرایت کرده و از اهمیت تجاری آن کاسته بود.

از عوامل بی ثباتی سیاسی این شهر در دوره مذکور می توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) نبود نماینده‌ای (حاکمی) نیرومند از سوی دولت مرکزی در این شهر که پیامد ضعف سراسری قاجارها در اواخر سلطنت آنها بود. مردم سلطان‌آباد نارضایتی خود از وضع نیز از وضعیت نابسامان موجود را در نامه‌ای به دربار قاجار اینگونه بیان نمودند:

البته از وضع عراق و تعدیاتی که در این مدت ایام فترت [مجلس] به آن آب و خاک وارد آمده وارد نیست ظلم و تجاوز قشون اجنبی چه روسی و چه عثمانی و گرفتن سیورسات عدیده بلا وجه و غارت دهات و هزار گونه افتضاحات دیگر که قلم از شرح آنها شرم دارد و همچنین در مقابل تعدیات جمعی از اشرار ولایتی که هر کس عده سواره و پیاده دور خود جمع کرده دهات را غارت و اموال رعیت را به چپاول می‌برند در این مدت حاکمی نبوده که از این پیش آمدها جلوگیری نمایند... (ساکما، ۲۱۰/۱۰۸۴، برگ ۱).

ب) حملات اشرار و قبایل اطراف به شهر از عوامل مهم بی ثباتی سیاسی و اقتصادی ناحیه محسوب می شد. در تلگرافی از هیئت تجار عراق (عجم) به مجلس ملی آمده است که این هیئت درباره ناامنی‌های موجود در راه‌های ارتباطی قم و اصفهان «توسط الوار و شرارت اشرار که از آن خطوط سلب امنیت شده و دارای مخاطره برای عابرین و مال‌التجاره خواهد بود جهت جلوگیری از این مخاطرات که امکان وقوع آن می رفت در خواست اقدام فوری می نمایند» (کمام، ۴/۴۴/۲۲/۱/۶۵) گلایه می نمایند.

ج) دلیل دیگر حضور کنسولگری‌ها و کمپانی‌های تجاری خارجی در سلطان آباد و مداخله بی مورد آنها در امور شهر و اختلافات آنها با تجار و کسبه عراق و ظلم و تعدی به آنها بود (ساکما، ۳۶/۷۲۳۳). این کنسولگری‌های گرچه به ظاهر تلاش می کردند مستقماً در حوادث جاری شهر دخالت نکنند؛ اما مداخلات غیر مستقیم آن‌ها، خصوصاً انگلیسی‌ها و سوییسی‌ها سبب وقوع حوادث تلخی مانند اغتشاش و بلوا در سال‌های ۱۳۳۵ق/۱۹۱۷م (دهگان، ۱۳۴۵: ۲۲۲) و ۱۳۲۹ق/۱۹۱۱م شد که بر اساس اسناد موجود (ساکما، ۲۹۳/۵۹۶۱، برگ ۲) عامل این فتنه‌ها را برخی شایعاتی دانسته‌اند که تجارتخانه «زیگلر» در عراق منتشر کرد و سبب تحریک مردم عوام و ساده‌لوحان شده بودند. دخالت‌های این شرکت‌ها در فتنه اخیر به حدی آشکار بود که آقایان سهام‌السلطان و صمصام‌السلطان درباره اقدامات تجارتخانه‌های مذکور گزارشی به وزارت داخله ارسال کردند و چون خود در برابر اقدامات عاملان آنها ناتوان بودند، از تهران درخواست مساعدت نمودند. (ساکما، ۲۹۳/۶۲۳، برگ ۸تا).

اصلی‌ترین رخدادهای شهر در این عصر بدست دو گروه رقم می خورد. در یک سوی مخالفان مشروطه بودند که رهبری آنان را حاج آقا محسن، روحانی صاحب نفوذ شهر، بر عهده داشت که با مشروطه خواهان رابطه خوبی نداشت و در سوی دیگر طرفداران مشروطه خواهی بودند که رهبری آنها با روحانی دیگر شهر، آقا نورالدین بود. کشمکش و درگیری‌های بین طرفین، با دخالت تفنگداران طرفدار آقا محسن از یک طرف و قوای دولتی که حامی مشروطه محسوب می شدند، اوضاع را به شدت آشفته کرد (دهگان، ۱۳۴۵: ۲۰۹). سرانجام این آشفتگی‌ها موجب شد، نیروئی از تهران برای سرکوب آنها عازم سلطان آباد شود. شکرالله خان «معمد خاقان» شیرازی، از مشروطه خواهان، جهت کنترل امور، مقابله با آشوب‌ها و بازداشت حاج آقا محسن وارد سلطان آباد شد. البته اندکی بعد حاج آقا محسن از دنیا رفت (۲۵ جمادی ۱۳۲۵ق) و حاج میرزا محمود پسر دوم آقا

محسن دستگیر و به تهران اعزام شد و در پی آن تمام فرزندان و وابستگان حاج آقا محسن نیز راهی تهران شدند و سلطان‌آباد از وجود خاندان متنفذ محسنی خالی گشت. آقا محسن دارای ده پسر بود که در بین آنها حاج سید احمد پسر بزرگ او نیز از مخالفین مشروطه بود و در تهران نقش فعالی بر عهده داشت. او در زمره کسانی بود که به همراه شیخ فضل‌الله نوری به حرم حضرت عبدالعظیم (ع) مهاجرت کرد. (دهگان، ۱۳۴۵: ۲۰۸-۲۰۹).

بعدها محمد علی‌شاه قاجار در صدد بر هم زدن اساس مشروطیت برآمد و طرفداران وی در میدان توپخانه تحصن کردند؛ شعاع تحولات تهران به سلطان‌آباد هم سرایت کرد و این شهر نیز حالت پریشانی یافت. مردم در واکنش در به آن دکان‌های خود را بسته و در تلگراف‌خانه تحصن شدند تا از مشروطه خواهان دفاع کنند (دهگان، ۱۳۴۵: ۲۱۰). در این زمان محمد علی خان صمصام الممالک فرمانده فوج کزاز در پی حرکت دادن مخالفین به تهران برآمد و همزمان تفنگچی‌های طرفدار آقا محسن نیز به شهر ریخته و با صدای تیر و تفنگ مردم را وحشت زده ساختند. تا اینکه عده‌ای از متظلمین راه قم را پیش گرفته و در تلگراف‌خانه آنجا تحصن شدند (دهگان، ۱۳۴۵: ۲۱۰). در این شرایط سخت در ولایات مربوط به عراق انجمن‌های آزادی خواه ملی گرد هم آمدند و به چاره اندیشی پرداختند و یکی از تجار بزرگ شهر به نام حاج میرزا محمد رضا کاشانی برای یاری مشروطه خواهان کمک مالی فراوانی کرد (دهگان، ۱۳۴۵: ۲۱۲).

۵. بررسی وضعیت فکری - فرهنگی تجار سلطان‌آباد و ارتباط آنان با روشنفکران و انقلابیون (مشروطه)

بیشتر مردم سلطان‌آباد مانند بیشتر مناطق ایران درک صحیحی از انقلاب مشروطه و تحولات جدید نداشتند و از اینرو قضاوت در باره فضای فکری و رویکرد آنها به انقلاب مشروطه دشوار است. درباره فضای فکری سلطان‌آباد و تمایز آن از سایر مناطق ایران باید به جریان نفوذ تفکرات جدید به این شهر از سوی کمپانی‌های خارجی و تاثیر رونق تجاری حاصل از آن بر فضای فکری این شهر اشاره کرد. زیرا این شرکت‌ها از چندی پیش از انقلاب مشروطه در این آنجا تاسیس شده و تا حد زیادی بر تحولات فکری و اجتماعی تاثیر نهاده بودند و سبب شدند تا بسیاری از اندیشه‌های جدید غربی و تفکرات مشروطه خواهی نزد مردم رواج یابد. یکی از این شرکت‌ها کمپانی «زیگلر» (Ziegler Co) بود که با هدف انجام تجارت فرش و فراهم کردن زمینه‌های این فعالیت اقتصادی ایجاد

شده بود. آنها در این راستا به ساخت بسترهای مناسب جهت تسهیل این امر مبادرت می‌کردند. از جمله اقدامات آنها همکاری با کمپانی انگلیسی «لینچ» (Lynch Co.) در کسب امتیاز ساخت راه شوسه تهران به عراق و خرم‌آباد از دولت ایران بود (وکیلی تبریزی، ۱۳۹۵: ۸۴) که همین موضوع سبب شد تا ارتباط این ولایت با دیگر مناطق ایران خصوصاً پایتخت تسهیل گردد. شایان ذکر است که علاوه بر جاده‌های ارتباطی در ایالت عراق، شبکه‌های ارتباطی دیگر، همچون تلگراف و پست این ولایت نیز تحت تاثیر رونق تجاری به وجود آمده گسترش یافت و شعبه تلگرافی سلطان‌آباد در راستای این اهداف تاسیس گردید. (همان: ۹۰ و ۹۱).

همچنین تجار سلطان‌آباد در پی مراوداتی که با تاجران شرکت‌های خارجی داشتند و به پیروی از آنها در صدد ایجاد برخی تشکلهای تجاری برآمدند که همین موضوع سبب انسجام بیشتر بازرگانان عراقی شد. (ترابی فارسانی، ۱۳۸۴: ۴۰۵ و ۴۰۶) و آنها را علاوه بر مسائل اقتصادی در موضوعات سیاسی و اجتماعی نیز منسجم تر ساخت.

از این جهت تجار سلطان‌آباد که ارتباط مناسبی با دیگر مناطق ایران و بازرگانان خارجی داشتند؛ از آشنائی کافی با تفکرات جدید برخوردار بودند و عمدتاً آزادی خواه و حامی اندیشه‌های جدید بودند. عوامل مختلفی موجب نزدیکی تجار سلطان‌آباد با روشنفکران را فراهم ساخته بود. از جمله آنکه آنها به دلیل مهاجرت‌ها و سفرهای گوناگون به سایر مناطق داخلی ایران و کشورهای خارجی، خصوصاً اروپایی با دستاوردهای تمدنی غرب و دیگر کشورها در زمینه‌های مختلف علم و تکنولوژی، گسترش تجارت، حمل و نقل و حوزه‌های ارتباطی و بطور کلی توسعه اقتصادی و سیاسی غرب آشنائی زیادی داشتند (نامه اراک، ۵/۵۱۷)، چهارشنبه ۱۲ مرداد ۱۳۱۷، ۱-۲). آنان همچنین از درک عمیق‌تر و روشن‌تری نسبت به سایر اقشار اجتماعی برخوردار بودند و به همین دلیل ضرورت انجام تغییرات و اصلاح امور و همچنین درک ارتباط تنگاتنگ دو موضوع مهم توسعه اقتصادی و سیاسی با یکدیگر و انجام تحول سیاسی جهت اصلاحات فرهنگی و اقتصادی را بیشتر از هر قشر دیگری لازم می‌دانستند. تجار با مقایسه وضعیت سلطان‌آباد با دیگر شهرهای رو به توسعه ایران و خارج از ایران پی به ضعف‌های موجود می‌بردند و همین موضوع آنان را به روشنفکران نزدیک تر می‌ساخت.

در مقابل روشنفکران می‌توانستند راهکارهای مناسبی جهت به کارگیری سرمایه در اختیار تجار قرار دهند؛ به طوری که سمت و سوی سرمایه‌گذاری‌ها موجب توسعه

سلطان‌آباد و رشد مدنیت و صنعت و علم شود. بدون تردید آشنایی تجار با افکار مترقیانه روشنفکران در فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری آنان مؤثر بود. در این میان مقالاتی که در روزنامه «نامه عراق» منتشر می‌شد بسیار با اهمیت بود. زیرا روشنفکران با چاپ نوشته‌هایی ارزشمند در آنجا در جهت اعتلا بخشیدن به دانش تجاری و تلقی جدید بازرگانان از مفهوم نوین تجارت و همچنین تجزیه و تحلیل موقعیت تجاری عراق و ویژگی‌های تجار نقش مهمی ایفا نمودند. در این مقالات درباره موضوعات مهمی صحبت می‌شد که تجار کمتر بدان می‌اندیشدند. مانند اینکه تاجر سلطان‌آباد هنوز مفهومی سستی از تجارت در ذهن دارد که نیازمند اصلاح است. از جمله آنکه هنوز تجارت را منحصر به خرید و فروش فرش می‌داند و حتی حاضر نیست هیچ نوع تغییری بنیادین در طرح و نقشه آن که مناسب سلیقه مشتریان خارجی باشد؛ اعمال نماید و کماکان فرش را به همان شکل گذشته تولید و صادر می‌کند. (نامه عراق، ۲ (۱۷۳) ۲۹ ۱ تیر ۱۳۱۴، ۱). روزنامه‌های عراق خصوصاً «نامه عراق» توصیه‌های فراوانی از سوی روشنفکران به تجار می‌کردند که از جمله می‌گفتند باید در زمینه‌های بازرگانی دیگر نیز سرمایه‌گذاری انجام گیرد زیرا

تجارت انفرادی و محصورشدن در حجره‌های نمور و کثیف دیگر معنا ندارد بهتر است با تأسیس شرکت‌های سهامی، تضامنی، محدود، سرمایه‌های خود و مردم را روی هم ریخته و این موضوع را که تنها راه فرار از بحران اقتصادی است استقبال نمایند (نامه عراق، ۲ (۱۵۸) ۲۵ خرداد ۱۳۱۴، ۱).

البته اقتصاد این منطقه در آستانه مشروطه همچنان پر رونق است زیرا براساس سندی مربوط به این عصر

سلطان‌آباد عراق مرکز تجارت قالی و کمپانی‌های متعدده از تجار خارجه و داخله تشکیل گردیده به طور تخمینی سالی دو کرور تومان [یک میلیون تومان] قالی و قالیچه از عراق به خارجه حمل می‌شود. (ساکما، ۲۴۰/۶۳۸۶، برگ ۱).

که این امر نشان می‌دهد همچنان رقم قابل ملاحظه‌ای از تجارت داخلی و خارجی عاید این شهر و تجار آن می‌گشت. اما روشنفکران به درستی توانسته بودند رکود اقتصادی پیش روی عراق خصوصاً صنعت فرش را پیش‌بینی کنند؛ اتفاقی که مغفول واقع گشت و صدمات فراوانی نیز به اقتصاد این شهر وارد ساخت. با این حال رکود دوره‌های بعد هرگز به معنای بی‌توجهی همه تجار به پیش‌بینی‌ها و دستاوردهای علمی روشنفکران نیست زیرا

تاجران نیز تا حد زیادی پی به اهمیت دانش‌های جدید و دستاوردهای آن برده بودند و همواره بخشی از سرمایه خود را صرف امور علمی و فرهنگی می ساختند و به تعبیری باید گفت «معارف خواهی و کمک به رونق مدارس جدید در تمام این سال‌ها از ویژگی‌های تاجر بود» (نامه عراق، ۴ (۱۷) ۱۵ مرداد ۱۳۱۶، ۱). اما به تدریج تحولات اقتصادی کلان در ایران و جهان اسباب رکود اقتصادی این شهر را نیز فراهم ساخت.

در این دوره تاجر با آگاهی‌هایی که در ارتباط با طبقات فرهنگی و روشنفکران جامعه کسب کرده بودند کم‌کم به گروهی مهم و تاثیرگذار در جامعه تبدیل شدند و منافع مشترکی یافتند. آنان به مقابله با کمپانی‌های بزرگ خارجی و همچنین نظام فئودالی حاکم در شهر برخاستند و همین‌ها از اولین نشانه‌های شکل‌گیری نظام سرمایه‌داری یا بورژوا در این شهر است. تاجر در برابر انحصارطلبی‌های کمپانی‌های بزرگ و ملاکین صاحب نفوذ ایستادگی می کردند و از آنجائی که افکار جدید را راهی برای رهائی خود از این فضا می دانستند به سوی این اندیشه‌ها تمایل می یافتند.

ناتوانی دولت قاجار در حمایت از تاجر ایرانی فرس در مقابل کمپانی‌های خارجی سبب شده بود تا تاجر و بازاریان و دست اندرکاران اقتصاد صنعتی و تجاری سلطان آباد خود به مبارزه با سرمایه‌داری خارجی برخیزند و در این راه به روحانیت شیعی و پیشرو این شهر مانند آیت الله آقا نورالدین عراقی، حاج میرزا محمد علی خان و آقا شیخ تقی سنجانی از رهبری جریان مشروطه خواهی نیز توسل جستند (خزائلی، ۱۳۸۵: ۷۸).

همانطور که عدم توان دولت مرکزی در جهت برقراری عدالت اقتصادی درباره میزان اجاره مغازها که عمدتاً مالکین آنها اربابان و زمینداران بزرگ بودند سبب همکاری و وحدت کسبه و تاجر در برابر آنان می شد. در این زمینه سندی گزارش می دهد، تاجر سلطان آباد در سال ۱۳۰۲ش به اقدام خودسر ملاکین درباره افزایش قیمت کرایه مغازها اعتراض کردند و آن را نمی پذیرند و موضوع را طی نامه ای اینگونه به اطلاع مشیرالدوله صدر اعظم وقت می رسانند که

امروز که تمام اهالی مملکت ایران چشم امید را به عدالت‌خواهی و وجدان پاک حضرت اشرف اعظم آقای مشیرالدوله رئیس‌الوزراء دوخته و منتظرند دردهای بیدرمان خود را این وجود مقدس که پاک دامنی و قانون شناسیش ضرب مثل ایرانیان است علاج و مداوا نماید. فدویان کسبه بازار عراق نیز که سال‌ها است مورد بی‌رحمی و قساوت مالکین دکاکین واقع شده و هر ساله می باید حاصل دست رنج و نتیجه

زحمت سالیانه خود را بنام اجاره دکان تسلیم آنها نمائیم برای استخلاص شانه ضعیف خود از زیر بار این تحمیل طاقت فرسا تشبث به آستان مقدس آن رئیس الوزراء قانونی شده و امیدواریم عطف توجه فدوی به عرایض فدویان بفرماید الان مدت چندین سال است که مالکین دکاکین بازار عراق رأس هر سال مبلغ متناسبی به مال‌الاجاره دکاکین افزوده و به حدی اجاره آنها بالا رفته که اگر عرض کنیم باید تمام عایدات سالیانه کسب خود را در عوض مال‌الاجاره تسلیم مالکین نمائیم اغراق نموده ایم و از آنطرف هم رأس هر سال که مبلغی اضافه مال‌الاجاره را تحمیل می نمایند قید می کنند یا باید دکان را تخلیه نمود یا با این مقدار مال‌الاجاره را قبول کرد در این صورت اگر ترک دکان نموده و کسب خود را تعطیل نمائیم عیال و اطفال مان از گرسنگی خواهند مرد. این است که در مقابل این مال‌الاجاره سنگین طاقتمان طاق مخصوصاً اگر مالکین باز رأس سال خیال اضافه کردن اجاره جایگر خاطر نشان بشود دیگر باید دست روی دست گذارده منتظر باشیم تا گرسنگی ما را روان دیار عدم نماید شما اولیا امور را به مقدسات عالم و بشرافت انسانیت و بخون پاک ایرانیت قسم می دهیم عطف توجه و بذل مکرمتی به حال این مظلومین فرموده امر اکیدی صادر شود که مالکین با ما برفق و مدار معامله نموده عجلتاً که از مال‌الاجاره فعلی چیزی کسر نمی کنند مطابق دفتر مستغلات مالیه مال‌الاجاره هذه السنه را سنه آتیه اجاره بگیرند بدون اینکه مبلغی اضافه تحمیل نموده و تهدید به تخلیه دکان نمایند. (ساکما، ۱۰۱۴۸۱/۲۴۰، برگ ۱).

تجار بزرگ سلطان آباد عراق غالباً با اعضای قدرتمند حکومت محلی همکاری و مرادوت داشتند و از این مسیر برای موفقیت تجاری خود بهره می بردند. در حقیقت رابطه با حکام می توانست فضای امن و مناسب تجاری را به طور نسبی فراهم سازد. البته رفتار حکام محلی نیز با این طبقه مناسب و از روی تکریم بود چرا که تجار می توانستند بسیاری از هزینه های آنان مانند هزینه های عمرانی و نظامی را فراهم سازند (آوری، ۱۳۸۷: ۵۹۱). از آنجائی که حکومت شهرها در ازای وجه مشخصی به حاکم فروخته می شد، حکام پیش از احراز مقام های دیوانی، نقدینه لازم برای خرید آن را از تاجران می گرفتند یا در مواردی برای پرداخت مالیات به حکومت مرکزی یا دیون معوقه از تجار کمک گرفته می شد. وجود بیشترین نقدینگی در دست تجار بزرگ حکام را به آنان محتاج می کرد زیرا در بسیاری از امور نیازمند مساعدت های تاجران بودند (ساکما، ۱۰۸۴/۲۱۰).

در مقابل حاکمان نیز با در اختیار نهادن امتیازاتی به تجار موجب موفقیت آنان و خواسته و ناخواسته رشد اندیشه های ترقی خواهانه ایشان می شدند که این نشان از یک رابطه دو

سویه بین آنها است. از باب نمونه با حمایت های که حاکم وقت عراق (شاهزاده سلطان حسین میرزا اعظم الدوله رکنی) قرار می دهد؛ برادران فراهانچی (علی اکبر و علی اصغر) از تجار بزرگ سلطان آباد عراق، مدیریت فرش و ارزاق را در بازار سلطان آباد به دست گرفتند و علی اصغر فراهانچی نماینده تام الاختیار شرکت سهامی فرش ایران شعبه قالی عراق در معاملات و خرید و فروش فرش را احراز کرد. او حتی از اختیارات خود نیز فراتر رفته و در مورخ ۱۳۱۵/۳/۱۸ش، اختطاری از اداره مرکزی «شرکت سهامی فرش ایران» مبنی بر اینکه کسی «حق خرید و فروش شخصی فرش را ندارد و تماماً باید در اختیار شرکت فرش باشد» (ساکما، ۲/ ۲۴۴، برگ ۵). دریافت می کند. که این نشان می دهد اختیاراتی که حاکم به او واگذار کرده بود بسیار فراتر بوده است و یا ریاست و واگذاری نمایندگی انحصاری خرید و فروش تریاک دولتی و قند و شکر و کبریت عراق به طور کامل در اختیار تاجر سرشناس این شهر «رضا میرشکرایی» نهاده شده است. (ساکما، ۹۲۲۳۳/ ۲۴۰).

این موضوعات سبب رشد اقتصادی شهر سلطان آباد، قدرت گیری تجار این شهر و همراهی آنان با تفکرات جدید و انقلاب مشروطه شده بود. منابع به صورت بسیار پراکنده و ذیل وقایع سال های گوناگون به این مسائل اشاره می کنند. از جمله دهگان، ذیل وقایع سال ۱۳۲۴ق/ ۱۹۰۶م/ ۱۲۸۵ش، در باب همراهی تجار و اهالی عراق با مشروطه طلبان چنین می آورد:

در این سال که تازه ملت ایران از یوغ استبداد بیرون شده و در زیر لوای مشروطیت زمینه اصلاحات ایده آلی خود را به مرحله عمل وارد می کرد و به زحمت بر مشکلات غالب می گردید. با کمال تأسف همسایه غربی ما (عثمانی) از اختلافات بین ملت و دولت و پریشانی احوال سوء استفاده نموده و برای چندمین بار پای تجاوز پیش نهاد و داخل در خاک ایران گردید. حاج میرزا محمدرضا کاشانی از تجار سلطان آباد عراق برای دفع هجوم عثمانی ها به فرمانفرما [از طرفداران مشروطه] پانصد تومان پول فرستاد تا بتواند آنها را دفع کند. فرمانفرما پول را پذیرفت و با تلگراف از عمل جوانمردانه مشار الیه و همت اهالی عراق سپاسگزاری نمود. (دهگان، ۱۳۴۵: ۲۱۱-۲۱۲).

نکته قابل توجه آنست که بسیاری از دشمنان مشروطیت در این عصر تلاش می کردند ضعف قوای داخلی در برابر تهاجم خارجی را به پای تحولات مشروطیت و قدرت گیری آنان زده و مردم را به مشروطه خواهان ظنین سازند و از اینرو باید گفت کمک آقای کاشانی به فرمانفرما با هدف پیروزی ایران و تقویت موضع مشروطه خواهان نیز قابل تحلیل است.

در گزارش دیگری از همراهی تجار و اهالی عراق با مشروطه‌طلبان و تحکیم آن در ذیل وقایع سال ۱۳۲۴ق/ ۱۹۰۶م، اینگونه آمده است که در پی سلطنت محمد علی‌شاه و تصمیم وی برای برهم زدن مشروطه و فراخوانی اتابک اعظم به ایران «ولایت سلطان‌آباد عراق حالت پریشیدگی پیدا کرد و مردم دکاکین را بسته و در تلگرافخانه متحصن شدند» (دهگان، ۱۳۴۵: ۲۱۰).

البته به طور کلی وضعیت فکری تجار سلطان‌آباد عراق محافظه‌کارانه و فرهنگ مذهبی و معمولاً روشنفکران دینی نزدیک تر بود. تجار سلطان‌آباد بیشتر از نزدیکان آقا نورالدین روحانی صاحب نفوذ و طرفدار مشروطه بودند و شخص وی نقش مهمی در جذب بازرگانان اراکی به اندیشه‌های جدید داشته است. درباره جایگاه او در انقلاب مشروطه دهگان می‌نویسد:

از خوشبختی احرار عراق، می‌توان یکی را آن دانست که آقانورالدین بزرگترین مجتهد محل به پیروی از استاد عالی قدر خود آیت‌الله آخوند خراسانی طرفدار احرار بودند. با بودن آن مرحوم در صف مشروطه خواهان، این دسته از تعرض دیگران مصون و سر و صدای محل عراق از دیگر شهرستان‌ها کمتر بود. (دهگان، بی تا: ۲۰-۲۱).

آقا نورالدین در طول دوره استبداد صغیر و جنگ جهانی اول، همچنان در صف آزادی‌خواهان بود (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۴۰) و به هنگام مهاجرت مشروطه خواهان به استانبول در سال ۱۳۳۴ق/ ۱۹۱۶م، رهبری مهاجران عراقی را به عهده داشت (دهگان، بی تا: ۲۳). او از جایگاه رفیعی نزد تجار عراقی برخوردار بود به طوری که وقتی در سال ۱۳۲۹ق/ ۱۹۱۱م، تجار سلطان‌آباد با اخباری مبنی بر توهین میرزا سلیمان خان حاکم عراق و رئیس نظمیہ آنجا به او به دلیل حمایتیش از مشروطه مواجه شدند طی تلگرافی به مجلس شورای ملی اینگونه از او دفاع کردند:

در اثر توهینی عظیم که بر وی بلکه به اسلام از طرف حکومت و نظمیہ وارد شده بود تمام دکاکین بسته و کارها هم تعطیل شود، و قریب سی هزار نفر از مردم اجماع کردند و خواهان جبران این لطمه که بر اسلام و رئیس اسلام واقع شده، بودند. (کمام ۲۸/۱۱/۱۱۵۹/۲).

در ارزیابی کلی مبارزان مشروطه خواه سلطان‌آباد باید توجه داشت که نظر به جمعیت کم شهر سلطان‌آباد به نسبت دیگر شهرهای ایران مانند تهران، اصفهان و تبریز تاثیرگذاری

کشوری آنها محدودتر بود. حتی در داخل شهر نیز مناصب شهری در طی چند سال بین موافقان و مخالفان مشروطه دست به دست شد و تنها در سال دوم حکومت فخرالملک در عراق (۱۳۲۲-۱۳۲۴ق) بود که مشروطه در سلطان آباد به موفقیت‌های نسبی دست یافت و در این تاریخ انجمن‌های کم‌شماری در آنجا تأسیس گردید (دهگان، ۱۳۴۵: ۲۰۸-۲۰۹)

۶. نقش و جایگاه تجار عراق در تأسیس انجمن‌های ولایتی سلطان آباد عراق

پس از پیروزی جنبش مشروطیت، تأسیس انجمن‌های ایالتی در شهرهای مختلف ایران به منظور حفظ و حراست مشروطه صورت گرفت. در قانون اساسی موضوع تأسیس انجمن‌های ایالتی و ولایتی مطابق اصول: ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، لحاظ گردیده بود (ذبیحی، ۱۳۸۰: ۶۰). تعداد و تنوع انجمن‌ها بیشتر از گذشته شد و انجمن‌های مختلفی به خصوص انجمن‌های صنفی همچون انجمن صرافان، اصناف، کفاشان ایجاد شدند. همچنین انجمن‌هایی متشکل از یک طبقه اجتماعی مانند انجمن شاه زادگان و امراء، مستوفیان، لشکر نویسان و تجار نیز شکل گرفتند. انجمن‌هایی نیز به منظور حمایت از مرام خاص اجتماعی یا سیاسی همچون انجمن اجتماع‌یون، هواداران مجلس و انجمن فرهنگ که به دنبال ترویج فرهنگ و نشر علوم جدید و زبان‌های خارجه بود به زودی پدیدار شدند (ترابی فارسانی، ۱۳۸۴: ۱۶۴).

در سلطان آباد نیز انجمن‌های متعددی به منظور پاسداری مشروطه و آزادی‌خواهی شکل گرفتند. تجار بزرگ سلطان آباد یکی از اصلی‌ترین گروه‌های حاضر در این انجمن‌ها بودند. (دهگان، بی تا: ۱۹-۲۰) البته روایت‌های تاریخی درباره شکل‌گیری این انجمن‌ها بسیار اندک و پراکنده است از اینرو به صورت خلاصه تاریخچه برخی از مهمترین انجمن‌ها و اعضای حاضر در آنها مورد بررسی قرار گرفته است.

۱.۶ انجمن ولایتی

انجمن ولایتی سلطان آباد توسط آقا نورالدین و طرفداران وی و با همکاری تجار صاحب نام این شهر تأسیس گشت. (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۴۰). این انجمن اولین انجمن سلطان آباد بود که ریاست آن بدست آقا نورالدین روحانی مشروطه خواه قرار داشت و وی در این راه از هیچ کوششی دریغ نمی‌کرد (ذبیحی، ۱۳۸۰: ۲۳۷). تلگرافی از سوی این انجمن به مجلس

شورای ملی موجود است که در سال ۱۳۲۹ق/۱۹۱۱م، ارسال گردیده است و در آن درباره انجام تکلیف مذهبی و اجرای تلگرافات علمای نجف اشرف درباره منع «استفاده از کالاهای روسی خصوصاً قند و چای در دوائر رسمی، غیر رسمی و مجالس عمومی» سخن گفته شده است. (کمام، ۲/۲۸/۱۱/۱۵۹۲).

اعضای این انجمن را اقشار مختلفی در بر می گرفتند که مشهورترین آنها حاج ابوالقاسم کاشانی (از بازرگانان و بزرگان شهر که جمله احداث او ساختمان‌های ابتدای خیابان عباس‌آباد کنونی است) بود.

۲.۶ انجمن دموکرات

این انجمن در سال ۱۳۲۵ق/۱۹۰۷م، به دست دو تن از مشروطه‌خواهان و تجار سلطان‌آباد با نام‌ها حاج‌میرزا عبدالعظیم و آقا اسدالله پروین در این شهر ایجاد شد. اعضای آن به شدت متأثر از افکار آزادی‌خواهان قفقاز بودند. در این انجمن روزنامه‌ای نیز با نام «اتفاق» به مدیریت میرزا حبیب‌الله خان عکاس باشی از روشنفکران و تحصیل‌کردگان دارالفنون منتشر می‌شد که علاوه بر مطالب و مقالات سیاسی، نوشته‌های ارزشمندی نیز درباره اخبار ولایتی عراق و مزایای پیشرفت و توسعه این ایالت ارائه می‌کرد. (صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۵۳). میرزا حبیب‌الله خان از آزادی‌خواهان تهرانی محسوب می‌شد که به سلطان‌آباد مهاجرت کرد و نقش موثری در جذب تجار سلطان‌آباد به انجمن‌ها داشت و برخی از آنان را در کمیته خود وارد ساخت که مشهورترین آنها برادران نوذری از بازاریان سرشناس سلطان‌آباد بود (صدیق، ۱۳۷۲: ۲۴۱). از دیگر روزنامه‌نگاران مشروطه‌خواه عراق در کنار تجار می‌توان از شیخ علی نخستین یاد کرد که وی نیز جایگاه رفیعی در ترویج اندیشه‌های آزادی‌خواهی صدر مشروطه در عراق داشت. او عضو نیز کمیته انجمن دموکرات و نایب رئیس آن و یکی از فعال‌ترین عناصر انجمن بود که روزنامه «رنجبر» را نیز در سال ۱۳۲۸ق/۱۹۱۰م، به مدت سه سال در این شهر منتشر ساخت که در آن ضمن بیان دیدگاه‌ها و مسالک مستقیم دموکرات‌ها، اخبار و موضوعات اجتماعی ولایت سلطان‌آباد را نیز درج می‌کرد. نخستین با طبقه تجار و اصناف بازار در کمیته‌های انجمن‌ها و در پاسداری از مشروطه مشارکت و همکاری می‌نمود و «در این راه صدمات بسیاری متحمل شد» (صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۳۲۳).

از دیگر اعضای این انجمن می‌توان به افرادی مانند آقا مهدی، آقا امین، آقا حسین، (فرزندان آیت الله آقا محسن عراقی)، ابراهیم نوذری از منتقدین و تجار بزرگ شهر، حاج عبدالرحیم اصفهانی و آقا میرزا آقا یاد کرد. تعداد اعضای عادی انجمن را نیز که از طبقات مختلف اجتماعی تشکیل شده بودند ۱۵۰ نفر گفته‌اند. (خاکباز، ۱۳۷۱: ۱۰۸؛ صدیق، ۱۳۷۲: ۲۴۱)

۳.۶ انجمن آدمیت

این انجمن یک سازمان فراگیر در بیشتر مناطق ایران بود. ابتدا با نام جامع یا مجمع آدمیت توسط عباس قلی خان آدمیت تأسیس شد و مظهر عقاید روشنفکران زمان خود بود و به تدریج در برخی از شهرستان‌ها نیز شعباتی ایجاد کرد. این انجمن بیش از ۳۵۰ عضو از طبقات مختلف داشت که بسیاری از افراد صاحب نام آن زمان مانند احتشام السلطنه رئیس مجلس شورای ملی، سلیمان میرزا اسکندری، مصدق السلطنه، میرزا محمد خان کمال‌الملک، فرصت الدوله شیرازی، میرزا جواد خان سعدالدوله و شاهزاده عضدالسلطان را می‌توان ذکر کرد (رائین، ۱۳۴۵: ۶۰). این انجمن در سلطان آباد عراق نیز به ریاست اسدالله خان پروین تأسیس شد و محمد علی شاهین یکی از اعضای برجسته آن محسوب می‌شد (صدیق، ۱۳۷۲: ۴۷). این انجمن از همه انجمن‌ها از جهت اندیشه و تفکرات آزادی‌بخش مهم‌تر تاثیر گذار تر بود و تقریباً هسته مرکزی مشروطه‌خواهان ولایت عراق محسوب می‌شد (دهگان، بی تا: ۳۰)

۴.۶ انجمن اعتدال (اعتدالیون)

این انجمن نیز مانند انجمن آدمیت دارای سازمان اداری منظم و وسیعی در سراسر ایران بود و اعضای آن برخلاف دموکرات‌ها از روش ملایم‌تر و رعایت سیر تکامل سیاسی دفاع می‌کردند و برخلاف دموکرات‌ها اعتقادی به کشتن و از میان بردن مستبدان و مخالفان مشروطیت نداشت. از این رو بیشتر اعیان و روحانیون مشهور مثل سپهدار تنکابنی، سردار محیی، سید عبدالله بهبهانی، سید محمد طباطبائی و اکثریت نمایندگان مجلس دوم طرفدار یا عضو این انجمن بودند (بهار، ۱۳۷۱: ۹). این انجمن توسط مرتضی قلی خان بیات (سهام السلطان) در سلطان آباد عراق تأسیس شد (ذبیحی، ۱۳۸۰: ۶۴) مجدالممالک و میرزا علی

اکبر خان کمپانی از اعضای اصلی آن بودند. فرد اخیر از تجار بزرگ فرش و اولین تاجر سلطان آباد بود که توانست بدون نیاز به کمپانی‌های خارجی فرش این شهر را به آمریکا و اروپا صادر کند و به همین منظور به حاج علی کمپانی معروف شد، طبق سندی موجود او فردی به نام «حاج محسن آقا ملکی» را به عنوان نماینده خود جهت خرید و ارسال فرش به آمریکا به «جنرال قونسول» دولت آمریکا مستقر در سلطان آباد معرفی می‌کند. (ساکما، ۱۳۶۰/۵۳۸۷).

۵.۶ انجمن تدین

انجمن تدین در مدرسه سپهداری تشکیل شد و رهبری آن را یکی از دموکرات‌های علاقمند به آزادی یعنی علی نخستین برعهده داشت (صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۵۴).

۶.۶ انجمن آذربایجانیان

این انجمن توسط آذربایجانیان مقیم سلطان آباد عراق تشکیل گردید. ریاست آن با میرزاحبیب‌الله عکاس باشی (طاهری) بود. آنان نیز تحت تاثیر تفکرات آزادی بخش قفقازی و دموکرات‌ها قرار داشتند. (خزائلی، ۱۳۸۵: ۸۰؛ صدیقی، ۱۳۷۲: ۲۴۰ - ۲۴۱)

۷.۶ انجمن برادران

رهبران این انجمن دو نفر از تجار مشهور سلطان آباد با نام‌های میرزاحسن خان حرآبادی و میرزا علی اکبر کمپانی (سابق الذکر) بودند.

۷. نتیجه گیری

تجار سلطان آباد قوی‌ترین و در عین حال منسجم‌ترین طبقه اجتماعی و اقتصادی این شهر در اواخر دوره قاجار و پیش از صنعتی شدن آنجا محسوب می‌شدند. گرچه چهره اصلی اقتصاد منطقه عراق عجم را تا مدت‌ها کشاورزی این ناحیه تشکیل می‌داد و ملاکین این منطقه از قدرت سیاسی فراوانی برخوردار بودند؛ اما انسجام و هماهنگی و در عین حال تاثیرگذاری که بین طبقه اقتصادی تجار وجود داشت؛ در بین ملاکین و اربابان موجود نبود و این موجب شد تا تجار در تحولات عصر جدید گوی سبقت را از زمین داران برابند.

تجار به دلایل گوناگونی بیشتر از اقشار دیگر با تفکرات و اندیشه‌های آزادی بخش عصر جدید آشنایی داشتند. از جمله این دلایل می‌توان به ارتباطات تجاری و فرهنگی آنها با دیگر نواحی ایران و همچنین سایر مناطق جهان اشاره کرد. آنها به بیشتر شهرهای ایران و دیگر مناطق دنیا سفر می‌کردند و وجود کمپانی‌های خارجی و سوداگران این کشورها در این شهر سبب شده بود تا تجار از آگاهی سیاسی بیشتری نسبت به دیگر اقشار اجتماعی برخوردار شوند.

رابطه دوسویه ای میان جریان روشنفگری شهر سلطان‌آباد با تجار این شهر وجود داشت. روشنفکران در عرصه‌های گوناگون از جمله در هنگام نیاز مالی از حمایت‌های تجار برخوردار می‌گشتند و بازرگانان در دوره‌های مختلف با کمک‌های مالی خود موجب پیشرفت افکار آزادی بخش و مشروطه خواهی می‌شدند. آنها همچنین در تاسیس مدارس و مراکز فرهنگی دیگر به روشنفکران کمک‌های فراوانی می‌کردند. در مقابل تجار نیز به حمایت‌های فکری اندیشمندان جهت مقابله با سنتگرایان و ملاکین و همچنین به‌رماندی از دانش جدید صنعتی و تجاری نیازمند بودند. این موضوع سبب شده بود تا پیوند نزدیکی بین طبقه بازرگانان و روشنفکران و تحصیلکرده شهر سلطان‌آباد ایجاد شود. از اینرو بازرگانان به دلیل پیوندی که با روشنفکران داشتند نقش مهمی در تحولات جدید شهر سلطان‌آباد مانند پیروزی در انقلاب مشروطه و شکل‌گیری انجمن‌های ولایتی این شهر داشتند. نیروهای طرفدار انقلاب در این شهر توسط این طبقه حمایت می‌شدند و وقتی نیز انقلاب به پیروزی رسید تجار با حضور در انجمن‌های ولایتی مانند انجمن آدمیت، دموکرات و ... تلاش نمودند پایه‌های این انقلاب را در این ناحیه استحکام بخشند. لذا نام بسیاری از تجار سلطان‌آباد در بین اعضای انجمن‌های ذکر دیده می‌شود که نشان از همسویی آنها با تفکرات جدید دارد.

البته نهایتاً انقلاب مشروطه در این شهر نیز مانند بیشتر نواحی ایران نتوانست دستاوردهای مهمی به همراه داشته باشد که شاید اصلی‌ترین دلیل آن عدم آشنائی دقیق بیشتر حامیان این جریان با تفکرات اصلی انقلاب بود.

کتاب‌نامه

الف) کتاب‌ها

اشرف، احمد، (۱۳۵۹)، موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران، تهران، پیام.

اصطخری، ابراهیم‌بن محمد، (۱۳۶۸)، مسالک و ممالک، ترجمه ایرج افشار، تهران، علمی فرهنگی.
اولیویه، گیوم آنتوان، (۱۳۷۱)، سفرنامه اولیویه: تاریخ اجتماعی - اقتصادی ایران در دوران آغازین عصر قاجار، ترجمه محمد طاهر میرزا، تصحیح غلامرضا ورهرام، چاپ اول، تهران، نشر اطلاعات.
آوری، پیتر و دیگران، (۱۳۸۴)، تاریخ ایران به روایت کمبریج: از نادرشاه تا انقلاب اسلامی، ترجمه مرتضی ثاقب فر، دفتر اول از جلد هفتم، تهران، نشر جامی.

ترابی فارسانی، سهیلا، (۱۳۸۴)، تجار، مشروطیت و دولت مدرن، تهران، تاریخ ایران.
خاکباز، علی اکبر، (۱۳۷۱)، خاندان محسنی در اراک، چاپ اول، تهران، نشر مؤلف.
خزائلی، علی رضا، (۱۳۸۵)، مشروطه خواه عراق عجم، زمانه، شماره ۲۵، ۷۸.
دهگان، ابراهیم، (۱۳۴۵)، کارنامه یا دویخش دیگر از تاریخ اراک، اراک، چاپخانه موسوی.
دهگان، ابراهیم، (بی تا)، نور مبین یا تاریخچه زندگانی آیت‌الله فقیه مرحوم آقانورالدین عراقی، اراک، چاپخانه فروردین.

ذبیحی، مرتضی، (۱۳۸۰) تاریخ اجتماعی اراک (احزاب، مطبوعات، شخصیت‌ها) اراک، نشر پیام دیگر.
رائین، اسماعیل، (۱۳۴۵) انجمن‌های سری در انقلاب مشروطه، چاپ اول، تهران.
صدر هاشمی، محمد (۱۳۶۳)، تاریخ جراید و مجلات ایران، اصفهان، انتشارات کمال.
صدیق، حسن، (۱۳۷۳)، نامداران اراک، به کوشش محمد رضا محتاط.
فلور، ویلم، (۱۳۵۶)، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران.
کرزن، جرج. ن.، (۱۳۷۳)، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، علمی فرهنگی.
لسترنج، گای، (۱۳۶۴)، جغرافیای تاریخی خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران، علمی فرهنگی.
ملک الشعراء بهار، محمد تقی، (۱۳۷۱)، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، تهران، انتشارات امیر کبیر.
وکیلی تبریزی، رضا، (۱۳۹۵)، تاریخ عراق (سلطان آباد عراق، اراک)، بازخوانی محمد مددی، تهران، نشر آیندگان.

ب) اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما). اسناد شماره ۳۶۷۷۲۳۳؛ ۲۱۰/۱۰۸۴؛ ۲۱۰/۱۰۸۴؛ ۲۴۰/۱۰۱۴۸۱؛ ۲ / ۲۴۴؛ ۲۹۳/۶۲۳؛ ۲۹۳/۵۹۶۱؛ ۲۴۰/۱۰۸۲۵؛ ۲۴۰/۹۲۲۳۳؛ ۲۴۰/۶۳۸۶؛ ۲۴۰/۵۳۸۷؛ ۳۶۰/۵۳۸۷.
کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام). اسناد شماره: ۲/۱۵۹/۱۱/۱/۲۸؛ ۲/۱۵۹/۱۱/۲/۲۸؛ ۲/۱۵۹/۱۱/۲/۲۸؛ ۴/۴۴/۲۲/۱/۶۵؛ ۲/۱۵۹/۱۱/۲/۲۸.

ج) نشریات

نامه عراق، (اراک)، ۱۳۱۳-۱۳۱۸ ش، چاپخانه موسوی، عراق (اراک).
نامه اراک، (۵) ش: ۵۱۷، چهارشنبه ۱۲ مرداد ۱۳۱۷، ۱-۲.
نامه عراق، (۴) ش: ۴۱۷، شنبه ۱۶ مرداد ۱۳۱۶، ۱.

۲۰ پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، سال هفتم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۷

- نامه عراق، (۲) ش: ۱۷۳، یکشنبه ۲۹ تیر ۱۳۱۴، ۱.
نامه عراق، (۲) ش: ۱۵۸، یکشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۱۴، ۱.
نامه اراک، (۵) ش: ۵۰۹، شنبه ۱۱ تیر ۱۳۱۷، ۱.
نامه اراک، (۵) ش: ۵۲۳، شنبه ۲۹ مرداد ۱۳۱۷، ۱.
نامه اراک، (۶) ش: ۵۹۹، شنبه ۱۹ خرداد ۱۳۱۸، ۱.

